

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان
۲۰۱۰/۰۸/۱۸

سگ دیوانه

عزیزان! سگ چه حیوان عجیبی
به یاری و وفا، بس نامدار است
ز هر شخصی که یابد استخوانی
وفایش تا قیامت پایدار است
اگرچه نوع و جنسش، صد هزاران
ولاکن مقصد ما، سه و چار است
از آن جمله، یکی، سگهای گله
همیشه پاسبان پخته کار است
اگر گرگی، بیاید یا شغالی
به یک قوله، فرار اندر قرار است
شکاری، نوع و جنس دیگر آن
که حاضر باش، در امر شکار است
به هر لاشی که افتد دور و نزدیک
به یک چشمک زدن در انتظار است

یکی هم ، خانگی چون (شاه دولا)
 همیشه غوغو و عو عو شعار است
 که وی پسمانده خور و هم نگهبان
 دلت هر آنچه خواهد ، اعتبار است
 یکی زان جمله هم (لَوُؤی دِئُو)
 چو گلبدین و چون سیاف ، هار است
 نه رحمی بر خود و بیگانه دارد
 به گیرش هرچه آید غار غار است
 نوازش گر دهی ، از پاچه گیرد
 وگر کُچ گوئی بر شیطان سوار است
 عبادت ، راکت و . طاعت ، جنایت
 که دینش اژدر و مذهب چو مار است
 عبادت ، غارت و چور و چپاول
 اطاعت ، قتل و دزدی و قمار است
 نمازش ، زنگ و جامن . رقص ، روزه
 ز زکاتش ، قلمها شرمسار است
 اصول دین . وی ، راکتپرانی
 فروعش ، چرس و تریاک و خمار است
 همیشه خوان چین و هند و جاپان
 گهی هم سفره تُرکی تبار است
 گهی بر تانک روس و گاهی آمریک
 گهی بر راکت جرمن سوار است
 به سوراخ عرب ، گاهی به ایران
 گهی در غار پاکستان فرار است
 خلاصه سگ سگ است و پاچه پاچه
 اگر راکتپران ، یا توپ دار است
 فضول و فاسد و خیلی بد اخلاق
 ز (لَوُؤخان) و (شادولا) شمار است
 چنانچه بی ادب ، بی علم و فرهنگ
 همیشه مسند از او شرمسار است
 ز استادان انگیزی توقع
 چنین شاگردک مخبر تبار است
 ز استاد خطا کارش چه گویم

که در تعریف کردش استوار است
به یادم آمد از دوران مکتب
که شاقا مجدد ، نامدار است
گهی چشم بد و گه رشوه خوری
به صنف دهم (جیم) ابتکار است
تمام بچه ها ، در کنج دهلیز
زغال و و رنگ بر ایشان نثار است
ز (پرویز خان نیک آئین) بپرسید
که شاید ، یادش از لابراتوار است
بیا « نعمت » ، همین شافی و کافی
و الا ، نوبت (شرما کُمار) است